

Study of the geo-economic status of the Achaemenid Empire

Zeinab Khosravi*

Meysam Labaf Khaniki** Behrouz Afkhami***

Abstract

Economy is one of the main foundations of government power. The most important economic income of the Achaemenids was taxes and tributes. In general, the issue of economics and its interaction with the administrative-political system of the Achaemenid Empire is ambiguous. The main questions of this study are that On the basis of what economic characteristics did the Achaemenid Empire expand its hegemony from the land of Persia? What effect did these characteristics have on the formation of the Achaemenid Empire? In this regard, the data collected to do desk study and studied by descriptive and analytical methods. The results show that for the Achaemenid Empire, water resources, agriculture, mines, human population, cities with a well-established economic and political structure, trade and taxes, and roads had of geoeconomic and geostrategic value. The Great Cyrus also paid attention to areas of economic and strategic value during his campaign to gain political power and with his tolerant political thinking, he kept the political and economic structure of the former cities intact. Therefore, he made it possible for the Achaemenid Empire to exploit the energy and economic resources of these regions. Darius I of the Achaemenid dynasty, by integrating regions of geoeconomic and geostrategic value into the administrative-political system, and developing strategies for connecting regions and trade relations between different regions, led to economic dynamism, trade development, and finally the transfer of wealth to the center of the empire.

* Instructor and PhD Student in Archeology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran, (Corresponding Author), z.khosravi@uma.ac.ir

** Assistant Professor of Archeology, University of Tehran, Tehran, Iran, labbaf@ut.ac.ir

*** Associate Professor of Archeology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran, bafkhami@uma.ac.ir

Date received: 4/8/2020, Date of acceptance: 16/9/2020



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۱۰ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

Keywords: Geoeconomics, Achaemenid Empire, Energy Resources, Dynamic Economy, Trade.

بررسی وضعیت ژئواکونومی امپراتوری هخامنشی

زینب خسروی*

میثم لباف خانیکی**، بهروز افخمی***

چکیده

اقتصاد یکی از مبانی اصلی قدرت حکومت‌ها است. مهم‌ترین درآمد اقتصادی هخامنشیان مالیات و خراج شهرها بوده است. کلاً موضوع اقتصاد و برهمکنش که با نظام اداری - سیاسی امپراتوری هخامنشی داشته، مبهم است. مسائل اصلی این پژوهش این است که امپراتوری هخامنشی بر پایه چه شاخصه‌های اقتصادی حوزه نفوذ خود را از سرزمین پارس گسترش داد؟ این شاخصه‌ها در تشکیل امپراتوری هخامنشی چه تأثیری داشته‌اند؟ در همین راستا داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شد و با روش توصیفی و تحلیلی مطالعه شدند. نتایج نشان می‌دهد که برای امپراتوری هخامنشی منابع آب، کشاورزی، معادن، نیروی انسانی، شهرها با ساختار اقتصادی و سیاسی قوام‌یافته، تجارت و مالیات و راه‌ها از ارزش ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک برخوردار بودند. کورش بزرگ طی لشکرکشی برای کسب قدرت سیاسی به مناطق دارای ارزش اقتصادی و راهبردی نیز توجه نمود و با اندیشه سیاسی تسامح‌گرایانه، ساختار سیاسی و اقتصادی شهرهای پیشین را دست‌نخورده نگه‌داشت، بنابراین وی امکان بهره‌برداری از منابع انرژی و اقتصادی این مناطق را برای امپراتوری هخامنشی فراهم ساخت. داریوش اول هخامنشی با ادغام مناطق دارای ارزش ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک در نظام اداری-سیاسی، و توسعه راهکارهایی برای اتصال و ارتباط تجاری مناطق مختلف باعث پویایی اقتصادی، توسعه تجارت و نهایتاً سرازیری ثروت به مرکز امپراتوری شد.

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، z.khosravi@uma.ac.ir

** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران labfaf@ut.ac.ir

*** دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، bafkhami@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶



کلیدواژه‌ها: ژئواکونومی، امپراتوری هخامنشی، منابع انرژی، اقتصاد پویا، تجارت.

۱. مقدمه

امپراتوری هخامنشی از ۵۵۰ پ.م با فتوحات کوروش بزرگ (۵۵۹-۵۳۰ پ.م) و کمبوجیه دوم (۵۳۰-۵۲۲ پ.م)، آغاز و بین سال‌های ۳۳۴ و ۳۲۳ پ.م که اسکندر، ایران و سرزمین‌های زیر فرمانروایی هخامنشیان را فتح کرد، به پایان رسید. این پادشاهی، بزرگترین امپراتوری جهان بود و قلمرو آن مناطق گسترده‌ای از داردانل (Dardanelle) تا شمال هندوستان را دربرمی‌گرفت، مصر نیز در بیشتر دوره هخامنشی جزو ایالت‌های آن محسوب می‌شد، مرزهای شرقی این امپراتوری به آسیای مرکزی تا قزاقستان امروزی می‌رسید (کورت، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۷). داریوش اول (۵۲۲-۴۸۶ پ.م)، برای اداره این قلمرو گسترده، آن را به روش استواری سازماندهی کرد و سرزمین‌های متصرفی را به شهرهای متعددی تقسیم کرد که در اسناد تاریخی تعداد آن‌ها از ۲۳ تا ۳۲ شهر متغیر است (بریان، ۱۳۸۱: ۲۶۹). این امپراتوری وسیع برای تداوم و پیشرفت، علاوه بر نظام اداری کارآمد به اقتصادی قوی و پویا نیاز داشت. اقتصاد این امپراتوری وابسته به مالیات و خراج‌هایی بود که شهرها به کانون سیاسی پرداخت می‌کردند، فتح سرزمین‌های جدید برابر با تحصیل ثروت بیشتر بود (Mallowan, 1972: 8). هر یک از شهرها ویژگی‌های مشخص جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی مربوط به خود را داشتند و بر همین مبنا منابع درآمد و اقتصادی آن‌ها متفاوت بود؛ هدف نخست برای امپراتوری هخامنشی این بود که سازوکاری را ایجاد کند تا سرزمین‌های فتح‌شده در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی امپراتوری ادغام شوند (Trotter, 2001: 62). با این حال، در پژوهش‌ها و منابع تاریخی، انواع منابع انرژی، درآمدی و کلاً اقتصادی شهرها در نظام سیاسی امپراتوری هخامنشی مبهم است و در این امپراتوری برهمکنش اقتصاد با نظام اداری-سیاسی آن نامشخص است. بنابراین پژوهش حاضر با طرح دو سوال: ۱- امپراتوری هخامنشی بر پایه چه شاخصه‌های اقتصادی حوزه نفوذ خود را از سرزمین پارس گسترش داد؟ ۲- این شاخصه‌ها در تشکیل امپراتوری هخامنشی چه تأثیری داشته‌اند؟ در صدد رفع ابهام در حوزه اقتصاد و برهمکنش آن با ابعاد اداری-سیاسی امپراتوری هخامنشی است. به نظر می‌رسد آب و کشاورزی از مهمترین منابع انرژی و تولیدی دوره هخامنشی بوده‌اند. احتمالاً کوروش بزرگ در فرآیند لشکرکشی و فتح سرزمین‌های مختلف برای بدست آوردن قدرت سیاسی، به نواحی دارای اقتصاد پویا و

راهبردی توجه نشان داده است و داریوش اول در شکل‌دهی به نظام اداری-سیاسی امپراتوری‌اش، راهکارهایی را طرح‌ریزی کرده تا پویایی اقتصادی ایجاد و منابع درآمدی امپراتوری هخامنشی تأمین شود.

این پژوهش از لحاظ هدف بنیادی است و داده‌های آن با ابزار فیش‌برداری و به روش کتابخانه‌ای و اسنادی از منابع علمی تاریخ، باستان‌شناسی و علوم سیاسی با تأکید بر مبحث ژئواکونومیک گردآوری شد. سپس داده‌ها اعم از منابع آب، کشاورزی، معادن، شهرهای پرجمعیت، آباد و دارای مراکز کشاورزی و تجاری و همچنین دارای ارزش راهبردی با روش توصیفی شرح داده شد و در نهایت برهمکنش اقتصاد با نظام اداری-سیاسی امپراتوری هخامنشی بر پایه نظریه ژئواکونومیک که جغرافیا، اقتصاد و سیاست را به گونه‌ای ترکیبی در کشورگشایی و امور نظامی و کشورداری بررسی می‌کند با روش کیفی تحلیلی مطالعه و تبیین گردید.

در زمینه اقتصاد دوره هخامنشی به صورت پراکنده مطالبی در کتاب‌هایی مانند «تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان» نگارش محمد عبدالقدیرویچ داندامایف، «امپراتوری هخامنشی» تألیف پیر بریان، «هخامنشیان» نوشته آملی کورت، «زنان هخامنشی» نگارش ماریا بروسیوس و «ایران در زمان هخامنشیان» تألیف مرتضی احتشام آمده‌است. مقالات متعددی مانند «شاهنشاهی هخامنشی و تجارتخانه اگیبی» نگارش علی اصغر میرزایی (۱۳۹۲)، مقاله «فعالیت‌های اقتصادی زنان در ایران عصر هخامنشی» تألیف لعیبا خادمی و میرزامحمد حسنی (۱۳۹۵)، مقاله «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر در دوران هخامنشی» نوشته امین‌رضا کوهستانی (۱۳۸۶) و پایان‌نامه‌ای با نام عنوان «تحول اندیشه سیاسی در دوران تاریخی ایران به استناد داده‌های باستان‌شناسی» تألیف زینب خسروی (۱۳۹۳) به مسئله اقتصاد امپراتوری هخامنشی از زوایای مختلفی نگریسته‌اند. یا این حال، پژوهش حاضر تلاش کرده تا علاوه بر معرفی کامل منابع اقتصادی دوره هخامنشی، جایگاه اقتصاد و منابع انرژی را در توسعه امپراتوری هخامنشی و در کلیت فرهنگ و تمدن این امپراتوری و نیز در برهمکنشی که با نظام اداری-سیاسی آن داشته‌است، تحلیل و تبیین نماید.

ژئواکونومی و توجه به امور اقتصادی همچون ابزاری در امور نظامی و کشورداری از دوره باستان مطرح بوده است، در ژئواکونومی عناصر اقتصاد، جغرافیا، سیاست و قدرت به گونه‌ای ترکیبی اهمیت دارند (مختاری‌هشی، ۱۳۹۷: ۶۰-۶۱). رقابت برای تسلط بر منابع

انرژی، معادن، گذرگاه‌ها و مسیرهای حمل و نقل کالا و انرژی و استفاده از موقعیت جغرافیای مناسب برای دسترسی به بازار برای داد و ستد منابع انرژی، همه از موضوعات ژئواکونومی هستند (ویسی، ۱۳۹۶: ۱۰۸). کشورها در روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند تا گرایش‌های غالب اقتصادی-تجاری را مطابق منافع‌شان جهت دهند (ولی‌قلی‌زاده و ذکی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). به نظر می‌رسد که مسائل ژئواکونومی در جهان سیاست امروز نمود بیشتری دارد؛ اما تلاش برای سلطه جغرافیایی بر نواحی پیرامونی یک کشور و کنترل منابع آن از دغدغه‌های اصلی حکومت‌ها طی تاریخ بوده‌است (مسرور و خانی، ۱۳۹۷: ۱۶۹). جغرافی دانان ژئواکونومی را از سه زاویه نگریسته‌اند؛ نخست به منابع طبیعی که در یک منطقه موجود است، اشاره می‌کنند که سیاست‌هایی برای کنترل و استخراج از این منابع اعمال می‌شود. دوم، آنکه ژئواکونومی را یک الزام در اقتصاد جهانی می‌دانند و سومین رویکرد، ژئواکونومی را پیش‌نیاز جریان‌های تجاری، مالی و سرمایه‌ای در فضای ژئوپلیتیک و فراتر از مرزها تلقی کرده‌اند (عباسی، ۱۳۹۱: ۱۸۷). در این پژوهش، مقصود از ژئواکونومی شیوه بهره‌برداری از منابع طبیعی است که در یک منطقه موجود است و با این رویکرد می‌توان گفت امپراتوری هخامنشی، از سیاست ژئواکونومی در جهت برپایی و تقویت حیات سیاسی‌اش بهره برده و بر آن اساس سرزمین‌های تحت سلطه خود را سازمان‌دهی و مدیریت کرده‌است.

۲. منابع اقتصادی در امپراتوری هخامنشی

۱.۲ منابع آب

طی تاریخ امپراتوری هخامنشی، دسترسی به منابع آب و بهره‌گیری از آن در جهت تولید محصولات کشاورزی از اساسی‌ترین مسائل در زمینه ژئواکونومی دوره هخامنشی است. سیستم‌های آبیاری در امپراتوری هخامنشی از مهمترین عامل‌های اقتصادی و مبنای تصمیم‌گیری در امر اقتصاد سیاسی آن دوره به شمار می‌رفت. این سیاست از زمان کوروش بزرگ در شهرهای مختلف اعمال شد، در مناطقی که آبیاری لازم بود، آب به عنوان زیر ساخت اقتصادی و نیروی تولیدکننده، مورد نظارت مستقیم حکومت قرار گرفت (کاوینانی و داغمه-چی، ۱۳۹۳: ۱۸۵). احداث کانال‌ها، سدها و قنات‌ها به طور مستقیم با قدرت سلطنتی شاه هخامنشی ارتباط داشت، شاه در جهان باستان می‌بایست قدرت این را می‌داشت که نیروهای تولیدکننده طبیعی، به ویژه آب و باد را به حرکت درآورد (Liewellyn-

Jones, 2013:95). شاهنشاه هخامنشی برای القای این موضوع، اقدام به ساخت آپادانا «محل آب‌ها»، کرد تا در معماری نیز تسلطش بر این منبع را آشکار نماید. هرچند آپادانا، به هر سالن ستوندار بزرگ گفته می‌شده است؛ اما ریشه‌شناسی این واژه و همچنین متنی از نسا که از این کلمه برای محل ذخیره مایعات استفاده شده، پیوند آن با آب را نشان می‌دهد (Razmjou, 2010:232). شاهان هخامنشی از همان بدو کشورگشایی در سرزمین‌های مختلف تقاضای تسلیم آب و زمین می‌کردند (Kuhrt, 2007:199,253) و در این سرزمین‌ها برای تولید بیشتر به بهبود و ایجاد سیستم‌های آبیاری می‌پرداختند که به شواهد متعددی در این مورد می‌توان اشاره کرد. مطالعات باستان‌شناسی نشان داده است که کانال‌های باستانی، آب را از گرگان‌رود به محوطه‌های عصر آهن سوم و چهارم (معادل دوره ماد و هخامنشی) حمل می‌کردند (کاویانی و داغمه‌چی، ۱۳۹۱:۱۸۵). در هزاره اول پ.م در شهرهای مختلف آسیای مرکزی مانند سغد، باکتريا و مرو، آبیاری مصنوعی پدیدار شد و به دنبال آن هخامنشیان توجه زیادی به آن نواحی داشتند (Dani et al, 1994:43). در قرن ششم تا پنجم پ.م، حیات مراکز تاشکیرمان و کازالی یانکان در آسیای مرکزی به کانال‌ها و شبکه‌های عظیم آبیاری وابسته بود (بهادر و فیروزمندی، ۱۳۹۱:۱۵۳). به طور کل، فناوری هیدرولیک در خاورمیانه در دوره هخامنشی توسعه یافت و حتی در شمال عربستان و حجاز قنات‌های متعددی احداث شد که هم برای آبیاری زمین و هم برای مصارف خانگی در واحه‌ها مورد استفاده بود (Boucharlat, 1990:137).

پاره‌ای از مراکز توسعه سیاست‌های ژئواکونومیک هخامنشیان در مناطقی واقع است که آب فراوان داشتند و این در انتخاب نخستین پایتخت‌شان - پاسارگاد - در دشت مرغاب که رود پلوار در آن جریان داشت، اثرگذار بود. سطح آب زیرزمینی در این منطقه بالا است و این امر باعث گسترش چمنزارهای وسیع با پوشش گیاهی غنی و شهرک‌های پررونق با شرایط مناسب کشاورزی از دوران باستان تا به امروز شده است (Aminzadeh, Samani & Bahrami, 2006:37). هخامنشیان برای حفاظت از برخی از منابع آبی آن سوی قلمرو خویش مانند رود هالیس در آسیای صغیر قلعه مستحکمی ساخته بودند (Herodotus, 1957: V:52).

منابع آبی قلمرو هخامنشیان، علاوه بر مصارف مختلف زیستی و معیشتی به عنوان شریان‌های ارتباطی و موانع مرزی نیز کاربرد داشتند. کوروش بزرگ تلاش می‌کرد تا مرزهای غربی قلمرو هخامنشی را به کرانه‌های دریاهای آزاد برساند؛ زیرا پارسیان معتقد

بودند در آن سوی دریاها خطری آنان را تهدید نمی‌کند (محمودآبادی، ۱۳۷۴: ۱۴۸)، رود، دریا و ترعه نسبت به راه‌های خشکی محورهای سریع‌تر و کاراتری فراهم می‌آوردند. از این رو، در دوره هخامنشی برای حمل و نقل کالاهای سنگین از رودهای ساحلی استفاده می‌کردند، این امر در رودهای دجله و فرات که مبادله بین بابل و شوش را تسهیل می‌کرد، انجام می‌شد (بریان، ۱۳۸۱: ۵۹۴-۵۹۳)، در آسیای صغیر رودخانه‌های متعددی راه‌های ارتباطی بین مناطق ساحلی و پست را شکل می‌دادند، راه‌های آبی آسیای صغیر در مبادلات بین منطقه‌ای میان آسیای صغیر و بابل اهمیت داشت (سانسیسی وردنبورخ و کورت، ۱۳۸۸: ۱۲۵). دستیابی به راه‌های دریایی به اندازه‌ای بود که در سال ۴۹۹ پ.م آتن از شورش شهرهای ایونی در سواحل غربی آسیای صغیر با هدف دستیابی آزادانه به راه‌های دریایی حمایت کرد و در نهایت تراس که کوروش کبیر در جریان فتح لیدیه بر آنجا دست یافته بود و زمینه‌ساز حاکمیت بر دardanل و بسفر (Bosphorus) بود، از امپراتوری هخامنشی جدا شد (Rehm, 2010: 141). خلیج فارس راه آبی مهمی بود که مانند پلی سرزمین‌های ساحلی بین‌النهرین، ایران، عربستان شرقی و شبه قاره هند را به یکدیگر مرتبط می‌ساخت (Potts, 2010: 533)، حفر کانال سوئز توسط داریوش اول هخامنشی نیز استفاده از ظرفیت راه‌های آبی برای تجارت دریایی را نشان می‌دهد (Daryaei, 2003: 9)، همچنین داریوش اول اسکیلاکس (Scylax) اهل کاریاند (Caryand) را مأمور کرد تا راهی از خلیج فارس تا هند را کشف کند (کوک، ۱۳۸۶: ۳۸).

۲.۲ منابع کشاورزی

ونکه در مورد کشاورزی دوره هخامنشی، تحولاتی را تشخیص داده به طوری که سازمان سیاسی هخامنشی فنون تولید کشاورزی را دگرگون کرده و در این دوره به آبیاری زمین‌های کشاورزی تأکید شده است (Wenke, 1976: 102)، یکی از اسناد در این مورد، متون هخامنشی یافته شده از بابل است، هرچند برخی باستان‌شناسان، سیستم‌های آبیاری گسترده را به سلوکیان نسبت می‌دهند، اما در واقع به کارگیری سیستم‌های آبیاری گسترده پیش از آن‌ها آغاز شده بود (Boucharlat, 1990: 162). کشاورزی منبع ثروت و معیشت مردم دوره باستان بود و مردم در جایی ساکن می‌شدند که زمین از لحاظ کشاورزی و حاصلخیزی، استعداد زیادی داشت و آب به سهولت به آنجا منتقل می‌شد (علایی‌مقدم، موسوی و مهرآفرین، ۱۳۹۵: ۱۲۳). بر همین اساس، کوروش بزرگ به توجه‌اش به کشاورزی افتخار

می‌کرد، زیرا برای رفاه و بهزیستی قلمروش ضروری بود (Lincoln, 2012: 66)، وی به فرمانروایان دستور می‌داد تا در آبادی سرزمین‌ها، پرورش حیوانات و احداث جنگل برای شکار تلاش کنند (گزنفون، ۱۳۹۷: ۲۶۴). پارسیان در فتح شهرهایی مانند بابل، زمین‌های بارور، کانال‌های آبیاری و باغ‌ها را مصادره می‌کردند؛ چراکه زمین منبع اصلی مالیات بود (Dandamayev, 1992: 21). با این حال هخامنشیان زمین‌ها را به صورت اقطاع برای تولید بهتر واگذار می‌کردند (کاران و کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۷۱)، به نظر می‌رسد خانواده ثروتمند و مرفه موراشو در نیپور در قالب هم‌مین شیوه به نظام زمین‌داری کمک می‌کردند (Stolper, 1985: 27). در دوره هخامنشی بعضی از معابد که زمین‌های وسیع داشتند، موظف بودند مقادیر قابل توجهی جو، کنجد، آبجو، گوسفند و گله برای حکومت بفرستند، از آن جمله، داریوش اول در حکمی به گاداتس (Gadatas) مباشر املاک در آسیای صغیر، دستور جمع‌آوری مالیات از کشاورزان معبد آپولو در مگنسیا (Magnesia) را داد (Dandamayev, 2005: 275).

کشاورزی نه تنها منبع ثروت و قدرت هخامنشیان بود، بلکه از آن به عنوان نماد مشروعیت هم استفاده می‌کردند، به طوری که بر رسانه‌های مختلف هنری به تبلیغ و نمایش آن می‌پرداختند؛ مانند تصویر شاه در حال شخم زدن بر روی سکه‌ای از تارسوس (Tarsos) که در موزه لوور نگهداری می‌شود (سانسیسی وردنبورخ و کورت، ۱۳۸۸: ۲۶۶). مصر از لحاظ اقتصادی برای هخامنشیان اهمیت داشت. مصر به برکت آب نیل و حاصلخیزی ناشی از آن، انواع محصولات را تولید می‌کرد. از جمله گندم، جو، ارزن، لوبیا و عدس و در باغات، انجیر و زردآلو و انگور پرورش داده می‌شد، گیاهانی همچون پاپیروس و لوتوس نیز در نواحی برکه و مرداب می‌روید که مصارف چندگانه داشت (ماله، ۱۳۸۴: ۲۳). محصولات کشاورزی مصر به مناطق مختلف مانند یونان، فینیقیه، حبشه صادر می‌شد، مصر با دریافت عوارض گمرکی صاحب ثروت زیادی شده بود (Salles, 1991: 227). در آسیای صغیر گندم دشت‌های ساحلی از کیلیکیه (Cilicia) تا پونت (Pont) در سواحل دریای سیاه ارزش زیادی داشت (سانسیسی وردنبورخ و کورت، ۱۳۸۸: ۳۱۹). گندم و جو مهم‌ترین محصولات زراعی در سراسر آسیای صغیر، ایران، بین‌النهرین و مصر بود؛ اما الگوی دامداری متفاوت بود، دامداران چراگردانی بودند که برای دستیابی به آب و چرای مناسب، دام‌های خود را از جایی به جای دیگر می‌بردند. در حالی که در لوانت (Levant) و کوه‌های زاگرس، چراگردان در فصل زمستان گله‌های خود را به مناطق پست‌تر و گرم‌تر می‌آوردند؛

در هلال بارور، در زمستان بارندگی باعث شکل‌گیری مرتع می‌شد و چراگردان به این مراتع رفته و در تابستان سوزان بر سر منابع آب با کشاورزان به رقابت می‌پرداختند، جا به جایی دائم چراگردان، گله‌ها را فرسوده می‌کرد (Kuhrt, 2007: 3).

هخامنشیان در انتخاب پایتخت هم شرایط محیطی و ویژگی‌های ژئومورفولوژی را از نظر دور نداشتند. خاک حاصل‌خیز، آب‌های سطحی فراوان و مراتع وسیع مهمترین معیارها برای ساخت شهر پارسه بود (Aminzadeh, Samani & Bahrami, 2006: 37). توجه هخامنشیان به کشاورزی عاملی بود که پردیس (باغ) به عنوان الگوی کوچک اقتصاد امپراتوری عمل می‌کرد. این باغ‌ها همه گونه گیاهان را دربرداشت و آب همواره در آن جاری بود. پردیس - هایی در امپراتوری وجود داشت که مخصوص شکار حیوانات مختلف برای تناول بود (Lincoln, 2012: 62-69). هخامنشیان تلاش می‌کردند، در نقاط مختلف قلمروشان پردیس - هایی احداث کنند که برجسته‌ترین بازتاب بصری آن بر آثار مهری داسکلیون به صورت بوستان‌ها و بیشه‌های مقدس در آسیای صغیر دیده می‌شود (کاپتن، ۱۳۹۲: ۱۳۲). در روایت نهمیه اشاره‌هایی به روابط مقامات هخامنشی با یهودیان شده است، در این نامه فردی یهودی در سواحل رودخانه آساف (Asaph)، نگهبان جنگل پادشاه است (Stolper, 1988: 215) و این نشان می‌دهد، هخامنشیان در مناطق دارای ارزش ژئواستراتژیک درصدد حفظ منابع طبیعی بوده‌اند.

۳.۲ منابع معدنی

نظام سیاسی هخامنشی همواره به منابع معدنی مناطق مختلف ایران و دیگر سرزمین‌ها برای ساخت سکه، اشیای شآن‌زا و با ارزش و ساختمان‌سازی نیاز داشت، به طوری که داریوش اوّل برای ساخت آپادانا در شوش که منطقه‌ای بدون منابع سنگ است، دستور داد سنگ‌ها را از روستایی به نام ایبرادوش عیلام آوردند (Tite et al, 2004: 384). در این دوره از معادن کرمان طلا، نقره، سرب، زرنیخ و سنگ آهن (آفتابی و انوری، ۱۳۷۱: ۱۵)، قلع، مس، آرسنیک، آنتیموان استخراج می‌شد و به دلیل وجود منابع معدنی غنی، حتی نخستین پادشاهان پارسی، قبل کوروش بزرگ بر کرمان تسلط یافتند (Vickers—Oxford, 1990: 123). خوزستان منبع قیر، نفت و موم معدنی بود (یوسف‌نژادسودابه، ۱۳۹۴: ۴۰). از مهمترین معادن نمک در این دوره معبد چهرآباد زنجان (عالی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۹۹) و معدن نمک در شمال‌غربی الأقیر در عربستان بود که از قرن ششم تا چهارم پ.م مورد بهره‌برداری قرار

گرفته است (Vickers—Oxford,1990:120). مصر علاوه بر محصولات کشاورزی متنوع و فراوان در نوبیا دارای منابع معدنی غنی طلا بود (Kuhrt,2007:116). از معدن تراس (Terrace) نقره و طلا و از معدن تارسوس در شمال دریای سیاه، طلا استخراج می‌شد (Ibid,208). فیلیپ مقدونی در اواسط قرن چهارم پ.م با به دست گرفتن معادن تراس توانست، طلای فراوانی را بدست آورد. معادن طلا و نقره در ناحیه بالکان نیز پراکنده بود (Gergova,2010:61). رودخانه‌های منطقه کوهستانی شمال پاکستان و کوه‌های ساردونیکس (Sardonyx) هند نیز، از منابع طلا و نقره به شمار می‌آمد (Boucharlat,1990:106). همه این معادن ثروت زیادی را برای امپراتوری هخامنشی به ارمغان می‌آورد.

۴.۲ جمعیت

امپراتوری هخامنشی، تنها درباری پر زرق و برق نداشت، بلکه دارای جمعیت عظیمی بود که با تلاش‌های روزانه خود، شالوده سازمان اقتصادی را فراهم می‌کردند، که ساختار امپراتوری بر آن بنا شده بود (Brown,1990:7). در زبان پارسی باستان بین سرزمین و جمعیت ساکن در آن تمایزی نیست و بین ماهیت زمین، آب، هوا و مردم هر منطقه پیوستگی دیده می‌شود. واژه دهیو که به سرزمین اطلاق می‌شد، بر تمایز فرهنگ ملموس و ناملموس مناطق مختلف مانند زبان، دین، غذا، سلاح و غیره تأکید دارد و نشانگر تنوع جمعیت انسانی است (Lincoln,2012:109). ریشه‌شناسی این واژه نیز نشان می‌دهد در زمان‌های دیرینه‌تر دهیو به معنی «مردمان و جمعیت» کاربرد داشته است (معینی‌سام، ۱۳۸۱:۲۴۵). به طور کل تلاش برای کسب اطلاع از ویژگی‌های جمعیتی امپراتوری هخامنشی، بی‌نتیجه مانده‌است؛ چراکه منابع چنین مطالعه‌ای پیچیده است و اسنادی چون متون دیوانی تخت-جمشید و بایگانی مورا شو بابل تنها جمعیت منطقه‌ای محدود و دوره‌ای خاص را نشان می‌دهد. پیش‌بینی جمعیت این دوره از ۱۷۰۰۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰۰۰۰ متغیر است. منابع انسانی امپراتوری هخامنشی از نظر مرکز امپراتوری اهمیت داشت و نظام سیاسی برای شکل دادن به هنر رسمی، نمایندگانی از مناطق مختلف را دعوت به همکاری کرد و «روت» (Root) این هنر را «نمایش اطلس جمعیت» امپراتوری هخامنشی می‌نامد (Liewillyn-Jones,2013:76)، برخی از سرزمین‌ها همچون هند و تراس به خاطر برخوردار بودن از جمعیت فراوان برای هخامنشیان مهم بودند (Kuhrt,2007:208). امپراتوری هخامنشی برای حفظ حاکمیت بر جمعیت رعیت، در مناطق تازه فتح شده، با استفاده از نظام اداری آن‌ها را با مرکز امپراتوری

ادغام می‌کرد (Trotter, 2001: 66). نظام سیاسی هخامنشی مطیع کردن رعیت را به واسطه سلسله مراتب سیاسی و فرمانروایان محلی اعمال می‌کرد (Chattopadhyaya, 1974: 270). شواهد باستان‌شناسی و متون یونانی اشاره به پراکندگی جمعیت ایرانیان در مناطق مختلف به ویژه آسیای صغیر دارد و همچنین ایرانیان با جوامع یهود ارتباط نزدیکی داشتند (Silverman, 2011: 146). مطالعات مردم‌نگاری نشان می‌دهد که جمعیت یهود در اورشلیم بیش از ۲۰۰۰۰ نفر نبوده است، با آنکه یهودیان در دوره بابل جدید به این ناحیه تبعید شدند، اما جمعیت آن‌ها بدون تغییر باقی ماند (Trotter, 2001: 39 & 53)، فلسطین از نظر استراتژی برای هخامنشیان با اهمیت بود. هخامنشیان اداره محلی در بابل ایجاد کردند تا جمعیت یهودی تحت حمایت خود را به سرزمین‌شان باز گردانند. جمعیت یهودیان، مهاجر فلسطین که پیوندهای مذهبی و قومی با بین‌النهرین داشتند، در زمانی که شهرها شورش می‌کردند برای امپراتوری هخامنشی سودمند بودند (Ibid, 72). زیرا جمعیت یهود ساکن در فلسطین که حامی ایرانیان بودند، بین دو ناحیه پر جمعیت قلمرو هخامنشی یعنی بین‌النهرین و مصر و مسیر مهم تجاری قرار داشتند (Silverman, 2011: 157). مناطقی مانند خوارزم، سغد، مرو و باکتريا با تأسیس سیستم آبیاری در اواسط هزاره اول پ.م از جمعیت مناسبی برخوردار شدند و باکتريا در جنگ‌های هخامنشی ۳۰۰۰۰ اسب سوار برای ارتش ایران فراهم کرد (Dani et al, 1994: 43 & 45). نیروی کار امپراتوری هخامنشی یا از مناطق پر جمعیتی مانند بابل تأمین می‌شد (Waezegggers, 2015: 93) یا از جماعت بدوی (Llewellyn-Jones, 2013: 49). هخامنشیان مناطق دوره افتاده و کم جمعیت سینا و ادومیت (Edomite) را با جلب حسن‌نیت قبایل عرب حفظ می‌کردند (Stern, 1986: 223). با این حال شواهد باستان‌شناسی حاکی از آن است که هخامنشیان نتوانستند بر جمعیت عشایر چیره شوند (Licheli, 2007: 2). به طور کل هخامنشیان با دادن استقلال داخلی به شهرها، در ساختار سیاسی جمعیت امپراتوری، آن‌چنان تغییری ایجاد نکردند (Dandamayev, 2005: 272).

۵.۲ نقش راهبردی و اقتصادی شهرها

هخامنشیان از زمان کوروش بزرگ طی لشکرکشی و فتح سرزمین‌ها برای گسترش قلمرو و کسب قدرت سیاسی، تصرف شهرهای کهن با نظام سیاسی و اقتصادی مستحکم را در اولویت قرار دادند. بدین ترتیب قدرت سیاسی کوروش بزرگ در مناطق شاخص دنیای آن روز شناخته شد؛ اما فواید تصرف این شهرها فقط از منظر سیاسی نبود. این شهرها با

ساختار اقتصادی قوام‌یافته به تولید و درآمدزایی به ویژه در زمینه تجارت بین منطقه‌ای و یا از نظر موقعیت ژئواستراتژیک برای حفظ و کنترل مناطق دارای ارزش سیاسی، امنیتی و اقتصادی اهمیت یافتند و به عنوان پایگاه‌های سیاسی و اقتصادی برای تداوم و افزایش قدرت امپراتوری هخامنشی عمل می‌کردند. هر چند گاهی در این شهرها شورش برپا می‌شد، اما بعد از چندی دوباره سرکوب می‌گردید و مطابق با منافع امپراتوری هخامنشی از لحاظ سیاسی و اقتصادی اداره می‌شدند. گاهی نیز هخامنشیان با ایجاد تفرقه و جنگ بین بعضی از نواحی مانند شهرهای یونانی، آن‌ها را مطیع خود نگه می‌داشتند و از منابع اقتصادی منطقه یونان و پیرامون آن، بهره‌برداری می‌کردند (جوادی، ۱۳۸۰: ۸۸-۹۲). کوروش بزرگ پس از شکست آستیاگ، شهر بزرگ و با سابقه هگمتانه را به پایتختی انتخاب کرد. این شهر از موقعیت استراتژیک مناسب و از قابلیت نظارت و کنترل بر آسیای مرکزی برخوردار بود (بریان، ۱۳۸۱: ۱۰۶). کوروش بزرگ بعد از فتح ماد، کشور لیدیه در آسیای صغیر را تصرف کرد که قطب اقتصادی و تجاری بود (هژبری نوبری، ویسی و خطیب شهیدی، ۱۳۹۰: ۲۹). وی سپس عازم فتح بابل شد. بابل موقعیت ژئوپلیتیک تعیین‌کننده‌ای داشت و به علت قرار گرفتن در ساحل رودخانه‌های دجله و فرات از ارزش نظامی برخوردار بود (ریاحی‌دهنوی، ۱۳۸۸: ۱۶۶). این شهر در مرکز امپراتوری هخامنشی قرار گرفته بود و ثروت فراوان آن توسط شهرهایی تأمین می‌شد که در امتداد رودخانه و آبراهه‌ها قرار گرفته بودند (MacGinnis, 2010: 495). از طرف دیگر بیم آن می‌رفت که سوداگران دریای سرخ به بابل حمله کنند و تا قلب پادشاهی تازه تأسیس هخامنشی راه یابند (Hogemann, 1992: 223). بدین ترتیب تصرف بابل امنیت قلمرو امپراتوری هخامنشی را فراهم می‌کرد.

اگر چه شهرک‌های نظامی در جای جای امپراتوری قابل شناسایی است؛ اما نمی‌توان ادعا کرد که امپراتوری هخامنشی همه متصرفات خویش را تحت کنترل داشت. در حقیقت اکثر مناطقی که به طور مؤثر مدیریت می‌شدند، به دلیل ساختارهای قوام‌یافته اقتصادی و اجتماعی بود که از قبل شکل‌یافته بودند. این ساختارها در مناطق مختلف، تفاوت‌های بارزی داشت (Chattopadhyaya, 1974: 268). از دوره داریوش اول، شواهد باستان‌شناسی و تاریخی بر جا مانده است که نشان می‌دهد، داریوش برای پویایی اقتصادی و توسعه تجارت بین منطقه‌ای به اقداماتی پرداخته است. داریوش اول شهر شوش را تأسیس کرد و نیروی انسانی و منابع زهکشی بین‌النهرین را برای کمک در پروژه ساختمانی در این ناحیه احضار

کرد. شهر شوش به تدریج از اهمیت بابل به عنوان شهری دارای سرمایه کلان کاست (Waerzeggers, 2015:192). با توجه به کارکرد اداری و اقتصادی خاور نزدیک باستان، معبد در اورشلیم، مرکز اداری ارزشمند برای دولت هخامنشی بود. ساخت و بازسازی معبد دوم در اورشلیم توسط دولت هخامنشی با اهداف نظامی، اداری و امنیتی به ویژه برای حفظ مصر بود و نیروهای اصلی ارتش هخامنشی در این ناحیه حضور داشتند (Trotter, 2001:73). بر پایه کتاب عهد عتیق، بیت المقدس و یهودا از جمله مناطق اداری هخامنشی به شمار می‌رفتند (Kuhrt, 1990:211). حفظ مصر به علت فراوانی منابع طبیعی اهمیت داشت (Boucharlat, 1990:105). برخی از مناطق مانند دو شهر اِیبریا (Iberia) و کلخیس (Colchis) با ادغام در سیستم اداری هخامنشیان از لحاظ اقتصادی و سیاسی توسعه یافتند (Brosius, 2010:37). واحه‌های شمالی عربستان نیز برای هخامنشیان اهمیت اقتصادی داشت. در این ناحیه مراکز تجاری به صورت شهرک‌های مسکونی فعالیت می‌کردند (Graf-Miami, 1990:131). این واحه‌ها در شکوفایی تجارت بین عربستان سعودی و جهان مدیترانه دارای نقش اساسی بودند. واحه‌های شمال عربستان با یک راه اصلی با منطقه خلیج شمال-شرقی عربستان (بحرین) ارتباط داشتند. این منطقه از دوره آشور نو و هخامنشی و بیزانس مورد توجه قدرت‌های امپریالیستی بود و اهمیت خود را تا دوره امپراتوری بیزانس حفظ کرد (Salles, 1990:121). بر پایه کتیبه تل‌المشکوتا در مصر، به امر دایوش اول قبیله خودمختار قیدار به عنوان پلیس منطقه سوئز گماشته شد (Stolper, 1988:139). کانال سوئز برای داریوش اول به لحاظ پیشبرد اهداف، سیاسی، اقتصادی و نظامی به ویژه رونق تجاری که مصر و سواحل شرقی و غربی دریای سرخ را به هند و ایران متصل می‌کرد اهمیت داشت (ولایتی، ۱۳۸۸:۱۸۰). از نظر تجاری خلیج فارس مورد توجه هخامنشیان بود و آن‌ها در سواحل خلیج فارس شهرهایی همچون بندر تائوکه ایجاد کرده بودند که واسط بین خلیج فارس و ایالت فارس بود (غریبی، جعفری، لجم اورک مردای، ۱۳۹۲:۲۶). برخی باستان‌شناسان تائوکه را همان کاخ‌های سلطنتی هخامنشی کشف‌شده در برازجان می‌دانند (Vickers-Oxford, 1990:123). احتمالاً هخامنشیان برای نفوذ بیشتر در خلیج فارس در بحرین نیز ارگ‌های حکومتی برپا داشتند، در یک متن میخی اداری از بابل منسب می‌کند که در بحرین بر امور تجارت نظارت داشت «فرماندار دیلمون» (Dilmoun) نامیده شده است (Graf-Miami, 1990:145). گرچه هخامنشیان برای بدست آوردن سرزمین‌های بیشتر کشورگشایی کردند؛ اما مناطقی که موقعیت ژئواستراتژیک و ساختارهای سیاسی و

اقتصادی استواری داشتند، راهنمایی در مسیر فتح مناطق به حساب می‌آمدند. داریوش اول نیز به موقعیت اقتصادی و راهبردی مناطق در نظام اداری-سیاسی توجه کرد و در این راستا در شهرهای مختلف اقداماتی انجام داد.

۶.۲ تجارت و مالیات

گسترده‌گی امپراتوری هخامنشی که سرزمین‌هایی با اقلیم و امکانات طبیعی متفاوت را شامل می‌شد، در توسعه تجارت تأثیر فراوانی داشت و در این زمان تجارت دریایی و زمینی به نواحی دوردست مانند دانوب و رن کشیده شد. از هندوستان و سرانديب، ادویه و نباتات صادر می‌گردید و دریانوردان یونانی، فنیقی و عرب، ارتباط بین هند، عربستان، خلیج فارس، بابل و مصر و دریای مدیترانه را برقرار می‌کردند. سکه‌ها و خمره‌های مکشوفه‌ای که در آن شراب، روغن، دارو و عسل حمل می‌شد بر رابطه تجاری با غرب صحنه می‌گذارد (گیرشمن، ۲۰۶: ۱۳۸۵-۲۰۷). در همین زمان بود که داریوش اول برای تسهیل و تسریع تجارت نظام پولی واحد و معیارهای اندازه‌گیری یکسان کالا ایجاد کرد (بیوار، ۱۳۹۰: ۷۳۰). تجارت ایران با مناطق پیرامونی سابقه دیرینه داشت، از هزاره سوم پیش از میلاد دولت-شهرهای بین‌النهرینی برخی از مواد خام مورد نیازشان مانند آهن و فلزات را به واسطه دادو ستد با مناطق مرتفع بدست می‌آوردند (مجیدزاده، ۱۳۸۸: ۷۸). هخامنشیان بر پایه این پیشینه تجارت، تبادلات گسترده‌ای با مناطق مختلف داشتند. کشف فرش پازیریک در سیبری، گواهی بر این مدعاست (دوما، ۱۳۷۸: ۱۵۹). هخامنشیان در سوی دیگر فلات ایران، بر نقش خلیج فارس و اقیانوس هند در تجارت بین‌الملل آگاهی داشتند و برای رونق تجارت در این ناحیه از کارشناسان فنیقی برای ساخت کشتی استفاده می‌کردند و با راهنمایی ایشان اطلاعات دریانوردی برای کشتی‌های ایرانی را تحصیل کردند (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). شوش نقش مهمی در تجارت بین‌الملل داشت، علاوه بر اینکه بین خلیج فارس و بین‌النهرین بود، مسیرهای رودخانه‌ای و زمینی سایر شهرهای مهم از این شهر عبور می‌کرد (Kuhrt, 1990: 165). هخامنشیان در خلیج فارس با ساخت بندرهای متعدد چون بندر تائوکه، بر آن آبراه مهم تجاری تسلط بیشتری یافتند (غریبی، جعفری، لجم اورک مردای، ۱۳۹۲: ۲۶). در کرانه‌های دریای خزر و شمال فلات ایران نیز ایالت هیرکانیا از مناطقی بود که با سایر مناطق مبادلات بازرگانی و تبادلات فنی داشت (کاویانی و داغمه‌چی، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

با فتح لیدیه و تجارت از طریق اژه، رن و دانوب، قطب اقتصادی جهان باستان به اوراسیا منتقل شد (Frank, 1993: 401). تجار در حاشیه شمالی دریای سیاه و پونتیک برای اقامت، پناهگاه‌های فصلی به شکل کلبه‌های گودالی می‌ساختند. در نیمه آخر قرن ششم پ.م با توسعه تجارت، شهرک‌ها در تریتاک (Tyritake) و میرمکیوت (Myrmekion) افزایش یافت و کلنی‌های بسفر گسترده شدند، تعداد شهرک‌ها در تامان (Taman) به شصت و سه رسید (Nielsing, 2010: 127). هخامنشیان با ایجاد پایگاه در تراس از نفوذ سکاها بر دardanل و بسفر جلوگیری کردند و کنترل تجارت دریای سیاه و مدیترانه را به دست گرفتند (Rehm, 2010: 141). شمال و شمال‌غربی دریای سیاه (بسفر) با دنیای اژه و غرب آناتولی ارتباط تجاری مستقیمی داشتند (Tuplin, 2010: 293) و شهر کاپادوکیه (Kappadokia) به دلیل قرار گرفتن بر سر راه‌های زمینی و دریایی و مواد خامی مثل مس و سرب و آلات و ابزار فلزی که داشت برای هخامنشیان از اهمیت برخوردار بود (مهرابی و جلیلیان، ۱۳۹۴: ۱۴۲). جورجیای (Georgia) جنوبی مرکز توزیع بزرگ کالا بود و بسیاری از کالاهای یونان را تأمین می‌کرد (Licheli, 2007: 58).

بندرگاه دئوکراتیس مصر یکی از بزرگترین مکان‌های تجارت در شرق بود که موادی مانند شیشه، پارچه‌های کتان و چرم را به سایر مناطق صادر می‌کرد (ماله، ۱۳۸۴: ۱۱۵). در تل‌الخلیفه عربستان در سواحل شمالی خلیج عقبه، شهرکی از قرن ششم پ.م در یک شبکه گسترده تجاری بین‌المللی فعالیت داشت و مبدأ تجارت بخوردان محسوب می‌شد (Boucharlat, 1990: 137). با شورش موفقیت‌آمیز مصر در سال ۴۰۴ پ.م و از هم پاشیدن روابط قیدار و امپراتوری هخامنشی، رونق تجارت در تل‌الخلیفه متوقف شد (Graf- Miami, 1990: 142). امپراتوری هخامنشی با توسعه، تجهیز و تأمین امنیت راه‌ها، به سهولت و گسترش تجارت بین شرق و غرب افزود (داندامایف، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

مرکز امپراتوری برای اداره این قلمرو پهناور نیاز به صرف هزینه زیادی داشت و با توجه به ویژگی‌های طبیعی و تولیدات هر ناحیه، مالیات از شهرهای دریافت می‌شد، به این ترتیب هزینه مورد نیاز را تأمین می‌کرد. به این منظور داریوش اول امپراتوری را به بیست شهر تقسیم کرد و امور مالیاتی را به کارمندانی در این ناحیه تفویض کرد (Dani et al, 1994: 47) و بدین منظور در هر ناحیه برای جمع‌آوری مالیات یک اداره محلی تأسیس شد (Trotter, 2001: 53). مالیات‌ها بر حسب اندازه زمین زیر کشت، نفرات و اشیاء قیمتی، درآمد گمرکات دریایی، و تعداد گوسفندان دریافت می‌شد. مناطقی همچون هند، نوبه و

لیدی که طلای فراوان داشتند، هر ساله مقداری طلا و ظروف و ابزار طلایی می دادند. این مالیات‌ها صرف سپاه، ایجاد امنیت، تشکیل نیروی دریایی و تجهیز کشتی جنگی و تجاری، احداث راه‌های شوسه، ساخت سدها، پل‌ها، کانال‌ها، حفظ قنات‌ها، احداث کاخ‌ها می شد (Kleber, 2015: 1-5). مالیات‌ها کلاً بر اساس کالا بود و در سطوح بالاتر اداری با نقره و طلا پرداخت می گردید (Jursa, 2011: 431) و به ندرت پیش می آمد که باعث نارضایتی مردم به ویژه در دوران پادشاهی داریوش اول شود (Boucharlat, 2001: 276). اما از اواسط حکمرانی هخامنشیان و به ویژه قرن چهارم پ.م اداره محلی شهرها به دلخواه مالیات دریافت می کردند و خواستار پرداخت مالیات با نقره بودند، این گونه پرداخت بازار محلی را مختل کرد و اقتصاد را ویران ساخت (Dandamayev, 2005: 276).

۷.۲ راه

برای انتقال انرژی و مالیات شهرها علاوه بر نظام اداری، شبکه‌ای از راه‌ها لازم بود، لذا داریوش اول دستور به ساخت شبکه‌ای از راه‌ها داد (توقیر، ۱۳۹۵: ۲۰). راه در دوره هخامنشی ابتدا کاربرد نظامی داشت و بعد از استقرار امپراتوری، برای وصول مالیات و حفظ شهرها مورد استفاده قرار گرفت تا از وقایع اقتصادی و سیاسی نواحی مختلف اطلاع کامل می داشتند؛ بنابراین کاربرد پیام‌رسانی به آن افزوده شد و سپس کاربرد تجاری یافت (هینتس، ۱۳۸۳: ۳۰۷). تأسیس شبکه‌ای از راه‌ها، یکی از اهداف اصلی حکومت هخامنشیان بود؛ شبکه راه‌ها سرعت ارتباط با نواحی مختلف در قلمرو هخامنشی را افزایش می داد و روند تجارت در سراسر امپراتوری را بهبود می بخشید (Colburn, 2013: 32). ایران در پیوندگاه راه‌های شرق به غرب جهان به مانند مرکز ثقل عمل می کرد و در دسترسی به پهنه آب‌های آزاد و دنیای خارج موقعیت اثرگذاری داشت (عزتی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۰: ۲۲). اهمیت راه‌ها در اداره امپراتوری هخامنشی به اندازه‌ای بود که از تمامی راه‌ها نگهداری می شد و در مسیر راه‌ها قلعه‌های بزرگ و مستحکمی برای استقرار سربازان ساخته می شد. هر منزلگاه با اصطبل مجهز به پیک اسب برای سرعت در امور اداری احداث می شد (دوما و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۵۹). به روایت هردوت درباره شبکه راه‌های دوره هخامنشی، شاه‌راه گسترده‌ای وجود داشت که سه پایتخت باستانی یعنی شهرهای هگمتانه، تخت جمشید و شوش را به هم مرتبط می کرد (عاشوری‌نژاد و بارده، ۱۳۹۱: ۱۴۸). جاده‌ای تخت جمشید را به شوش متصل می کرد و جاده‌ای دیگر از لرستان عبور می کرد و شوش را به همدان می -

رساند (گیرشمن، ۱۳۸۵: ۱۵۸). جاده‌ای از کوه‌های زاگرس آغاز می‌شد و هگمتانه را به تخت جمشید متصل می‌کرد و از فیروزآباد و فراشبند کنونی عبور می‌کرد و به سیراف می‌رسید. در جنوب ایران دشتستان مرکز ثقل راه‌ها بود، چه راه‌هایی که منزل به منزل از شوش و لیان می‌آمد و چه راه‌هایی که از تخت جمشید آغاز شده بود از دشتستان عبور می‌کرد و این باعث می‌شد، در این منطقه مبادلات بازرگانی مختلف انجام شود (عاشوری‌نژاد و باره، ۲۰۱۲: ۱۴۸). در این راه‌ها، جاده بین شوش و تخت جمشید بیشترین اهمیت را داشت (هینتس، ۱۳۸۳: ۳۰۷). همه راه‌های شاهی در شوش به هم متصل می‌شدند (توقیر، ۱۳۹۵: ۲۰).

همدان محل تقاطع جاده‌هایی بود که نواحی شرقی را به غربی مرتبط می‌ساختند، در سمت شرق پس از عبور از قزوین، به دو شعبه تقسیم می‌شد؛ یکی به سمت گرگان و دیگری به سمت ری می‌رفت و جاده اصلی بعد از عبور آذربایجان وارد آشور می‌شد. جاده‌ای که به سمت ری جهت می‌گیرد در نهایت به باکتريا می‌رسد که در اینجا دو شعبه می‌شود که یکی وارد آسیای میانه می‌گردد و دیگری در امتداد جنوب شرقی به دره سند می‌رسد (Graf, 1994: 186). جاده‌ای نیز از بابل به سمت شوش امتداد داشت و به ری ختم می‌شد (Tuplin, 1981: 167).

طولانی‌ترین راه در دوره هخامنشی، راه شاهی است، این راه که دوهزار و پانصد کیلومتر بود و از شوش (پایتخت هخامنشی) تا سارد (پایتخت لیدی) امتداد داشت (Colburn, 2013: 34). راهی جنوب خاورمیانه را به کلخیس و بدین ترتیب به دریای سیاه متصل می‌کرد (Licheli, 2007: 58). جاده‌ای از شمال سواحل دریای سیاه و از طریق اورال به سبیری می‌رسید و امکان انتقال طلا را به کشورهای غربی میسر می‌کرد (Dandamayev & Lukonin, 1989: 210). مرکز قلمرو هخامنشی از چهار مسیر با مناطق شرقی ارتباط می‌یافت، یکی راهی که قندهار را به باکتريا می‌رساند. راه دوم از دره ایندوس تا آراخوزیا امتداد داشت. راه سوم از دره ایندوس و از مسیر جنوب بلوچستان به کرمان منتهی می‌شد و مسیر چهارم که راه آبی بود از غرب هند و دلتای ایندوس آغاز می‌شد و به سواحل جنوبی عربستان و دریای سرخ و مصر می‌رسید (Boucharlat, 1990: 95). به طور کل، همه راه‌ها به سواحل دریای مدیترانه منتهی می‌شدند، و به علت اهمیت این ناحیه کوروش اوّل در صدد تصرف آن منطقه بود (محمودآبادی، ۱۳۷۴: ۱۴۵). دره سند از طریق مسیرهای دریایی به طور مستقیم با بین‌النهرین، مصر، یونان تماس برقرار می‌کرد (توقیر، ۱۳۹۵: ۲۰). کشتی‌رانی در

دجله و فرات، ارتباط دو مرکز مهم تجاری هخامنشی بابل و شوش را تسهیل کرد و ارتباط بابل و آسیای صغیر را با سواحل مدیترانه ایجاد شد (سانسیسی وردنبورخ و کورت، ۱۳۸۸: ۱۲۵). بنابراین مناطق دارای ارزش اقتصادی و راهبردی با هم ارتباط برقرار کردند.

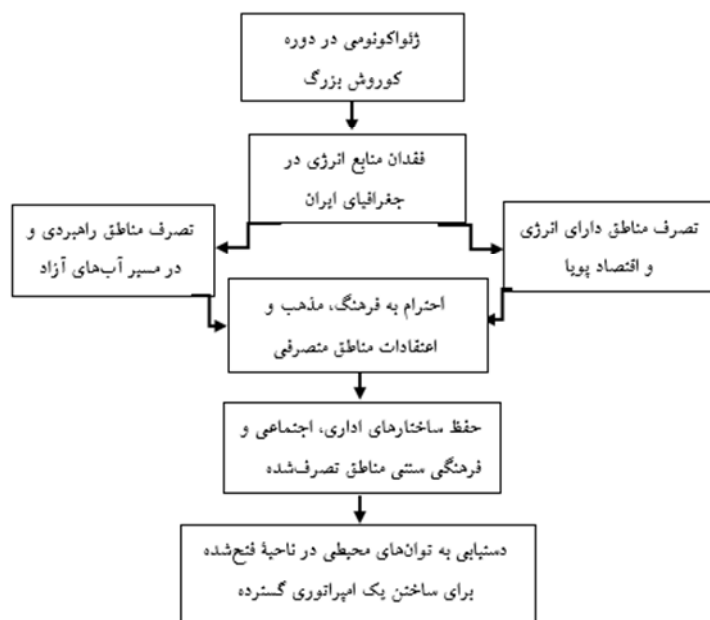
۳. تحلیل وضعیت ژئواکونومی امپراتوری هخامنشی

ایران جغرافیای ناموزون دارد. بخش عمده‌ای از فلات ایران فاقد رودهای دائمی است و عوارضی مانند رشته کوه‌های البرز و زاگرس و کویر باعث فاصله زیاد بین سیستم‌های استقرار شده است. بارندگی نامنظم است و رودخانه‌های فصلی در محدوده معینی از زمین‌های مسطح، در بسیاری نقاط مانع بهره‌برداری متمرکز می‌شود. کمبود امکانات در چنین اقلیمی، تنازع برای جست‌وجوی محیط زیست مناسب را تشدید می‌کند و تدارک دفاع برای واحدهای متمرکز را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در این نوع از واحدهای جمعیتی یک نفر به عنوان قوی‌ترین، پرتجربه‌ترین و خردمندترین فرد برای مدیریت منابع محدود و نظم‌دادن به تولید و تقسیم منابع، اختیار به دست می‌گیرد. کمبود منابع و حکم‌فرمایی یک فرد بر جامعه، باعث جدال با همسایگان و سرزمین‌هایی می‌شود که می‌تواند نیاز جغرافیای ناموزون را تأمین کند (ویتفولگ، ۱۳۹۱: ۸۷). طی تاریخ ایران، رهبران سیاسی با اتحاد قبایل به قدرت می‌رسیدند و به صورت رهبر اتحادیه‌های عشایری و کشاورزی ظاهر می‌شدند و این ماهیت فدراتیو در سرزمین‌های متصرفی نیز ادامه می‌یافت (Moosavi & Kasrai, 2011: 143). کانون اصلی امپراتوری هخامنشی قبایل پارس بود که از لحاظ اقتصادی نسبت به مناطق متصرفی - بین‌النهرین و لیدی - سرزمینی عقب‌مانده، باقی مانده بود و فاقد بازار و متعاقب آن روابط پولی و کالایی توسعه‌یافته بود (Dandamayev, 2005: 269). بنابراین امپراتوری هخامنشی برای تقویت پایه‌های حکومت و اقتدار خویش نیازمند انرژی بود. کوروش بزرگ در ابتدا برای گسترش قلمرو، کسب قدرت سیاسی و تأمین امنیت سرزمین پارس در برابر یورش احتمالی دشمنان پیرامونی فتوحات را آغاز کرد. با این حال در فرایند لشکرکشی، به ارزش‌های ژئواستراتژیک و اقتصادی مناطق پی برد و این‌ها راهنمای او در تصرف مناطق مختلف شدند. بنابراین او کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی را در ادامه لشکرکشی‌ها یکی از اهداف خود قرار داد. در واقع هخامنشیان بر پایه شناخت منابع و موقعیت هر سرزمین و زیر بنای اقتصادی که داشتند، سیاست‌هایشان را تعیین کردند و

متعاقب آن درصدد کنترل منابع برآمدند. تصرفات کوروش بزرگ نشان می‌دهد، این فرمانده نظامی نابغه به دنبال ساختن کشوری گسترده بود، کشور بزرگ اقتصاد گسترده می‌خواهد. امپراتورهایی که اقتصاد برّی دارند، توانایی این را ندارد که از لحاظ اقتصادی هزینه‌های امپراتوری را تأمین کند. هیچ امپراتوری بدون دستیابی به دریاهای آزاد شکل نمی‌گیرد. از این رو، یکی از نخستین اهداف کوروش بزرگ در تصرف نواحی غربی، دسترسی به دریای مدیترانه بود، او تلاش می‌کرد تا برای این امپراتوری مرزهای امنی ایجاد کند (محمودآبادی، ۱۳۷۴: ۱۴۵). هخامنشیان برای ایجاد امپراتوری وسیع با اقتصاد قوی مناطق مهم و راهبردی را شناسایی و یکی پس از دیگری آنها را تصرف کردند. لیدیه، بابل، فلسطین، و تا حوالی رود سیحون و دره سند قلمروشان را گسترش دادند. هخامنشیان برای بدست آوردن مشروعیت سیاسی در هر ناحیه از درگیری با اعتقادات و باورهای سرزمین‌های فتح‌شده خودداری کردند و برخلاف سلطه‌طلبان قبلی با احترام به باورها و اعتقادات سرزمین‌های فتح‌شده، از صرف زمان و هزینه در این مورد جلوگیری نمودند و سلطه خود را گسترده کردند. هخامنشیان مناطقی که آب فراوان و زمین حاصلخیز داشت و عامل تولید محصولات کشاورزی بود و نیز شهرهای با ساختارهای اجتماعی و اداری قوام‌یافته و پرجمعیت و مناطقی را که در مسیر دریاهای آزاد بودند، تصرف کردند. با این حال در قلمرو گسترده هخامنشی مناطقی یافت می‌شد که مستقل بودند؛ مانند نیروهای عشایر که در میان دره‌ها به بیلاق می‌رفتند و روستاهای کم‌جمعیت و مناطقی که از نظر ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک ارزش چندانی نداشتند (Chattopadhyaya, 1974:268). در حالی که داریوش برای ارتباط ایران با مصر و هند ثروتمند، از راه خشکی و دریایی عملیات دریایی کارآمدی را سازماندهی کرد اما به برخی از نواحی داخل جغرافیای ایران مثل عشایر توجهی نداشت. به این ترتیب قلمرو گسترده امپراتوری هخامنشی، امپراتوری یکپارچه با سازمان اداری در مناطق دارای ارزش ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک مانند بابل بود و در این امپراتوری، مناطق متمایز مستقل و نیمه مستقل چندان مورد توجه کانون سیاسی امپراتوری هخامنشی قرار نداشتند (Chattopadhyaya, 1974:266).

فرایند تصرف و ادغام سرزمین‌های مختلف در نظام اداری هخامنشی در نواحی مختلف به شیوه‌های متفاوت انجام شده است (Ibid, 273). دسترسی هخامنشیان به اقتصادهای پویای جهان، امکان تبدیل شدن به امپراتوری را برای آنها فراهم کرد. در واقع ویژگی‌های منابع طبیعی نواحی جغرافیایی مختلف و شهرهای پرجمعیت با ساختار اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی مستحکم، وجود منابع انرژی و اقتصادی را برای هخامنشیان توجیه می‌کرد و نحوه اهمیت این منابع برای هخامنشیان، سازمان‌های سیاسی و فرهنگی را شکل می‌داد. به طوری که وجود این منابع باعث احترام هخامنشیان به اعتقادات مناطق فتح می‌شد و از طرفی هخامنشیان با واگذاری اداره آن نواحی به اقوام بومی، هزینه سپاهی‌گری را پایین آوردند و هزینه‌های اداره سرزمین‌ها را به خود آن‌ها واگذار کردند. کوروش بزرگ می‌دانست روابط اجباری با این مناطق ذاتاً ناپایدار است، پس برای پیوستن سرزمین‌های فتح‌شده از سیاستی بهره برد که نتیجه آن روابط سودمند و متقابل بود.



نمایه ۱: ویژگی‌های سیاست‌های ژئواکونومی در دوره کوروش بزرگ (منبع: نگارندگان)

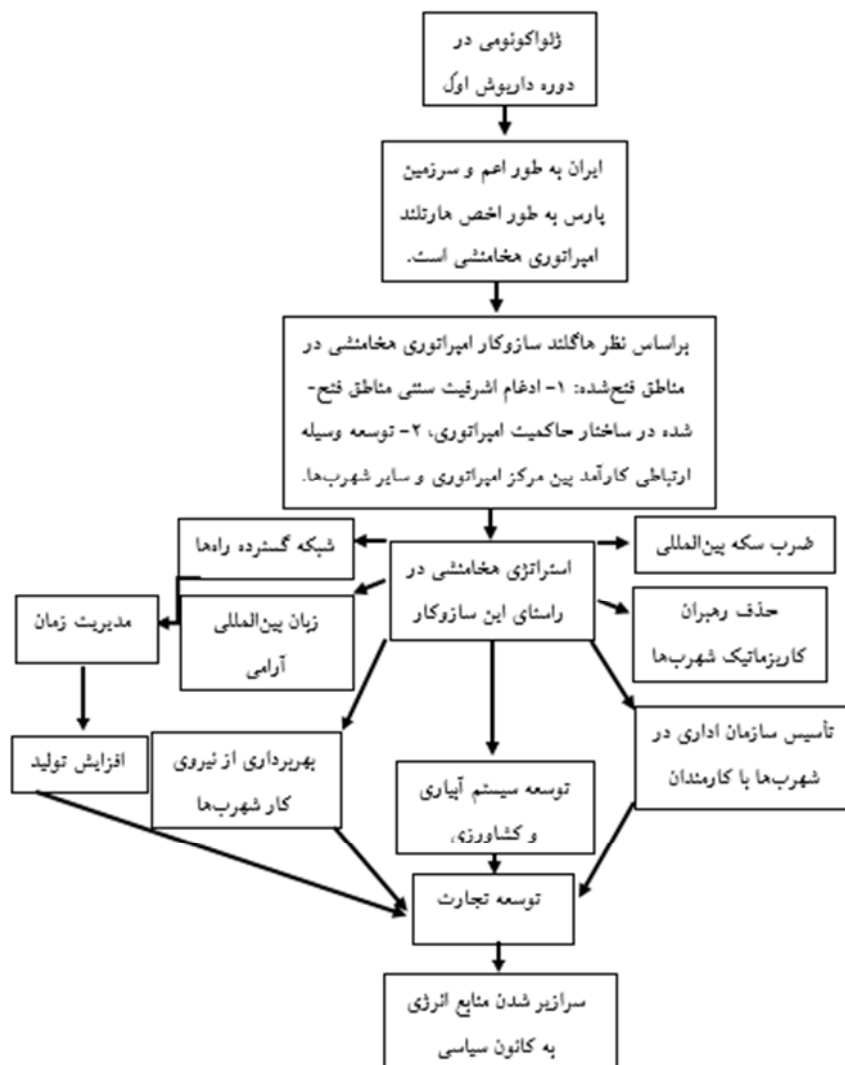
هر امپراتوری برای حفظ نظم و اعمال کنترل سازکارهایی در مناطق متصرفی به کار می‌بردند. هاگلدن سه سازوکار مشترک برای سیستم‌های امپراتوری مشخص می‌کند: ۱- انحلال ساختارهای اقتصادی خودکفا، ۲- ادغام اشرافیت سنتی مناطق فتح شده در ساختار حاکمیت امپراتوری و ۳- توسعه وسیله ارتباطی کارآمد بین مرکز امپراتوری و سرزمین‌های فتح‌شده. در سازوکارهای هاگلدن، می‌توان فهرستی از استراتژی‌های هخامنشیان را گنجانید: زبان آرامی به عنوان زبان مشترک امپراتوری، تأسیس بوروکراسی در ایالات و انتصاب

کارمندان ایران در آن، مالیات و توزیع مجدد منابع و استخدام جمعیت کارآمد امپراتوری چه در سطح شهرها و چه در کانون سیاسی، استفاده از ساختارها و کارکنان محلی و حذف رهبران کاریزماتیک این شهرها. حذف رهبران کاریزماتیک ضامن تسلط هخامنشیان بر آن نواحی تصرف شده بود؛ به طوری در بابل بعد حذف نبونید بلافاصله ساختارهای اقتصادی و فرهنگی بدون تغییر به کارشان ادامه دادند (Trotter, 2001: 64-65).

مهمترین سازکار هخامنشیان برای کنترل شهرها و انتقال انرژی ایجاد راه به عنوان وسیله ارتباطی بود، که در سرتاسر آن چاپارخانه‌هایی تأسیس شده بود که مجهز به اسب‌های تیزپا بودند و اطلاعات را سریعاً به کانون سیاسی انتقال می‌دادند (Dani et al, 1994: 48). به این ترتیب هخامنشیان زمان را در کسب اطلاعات، مدیریت کردند و مدیریت زمان در افزایش تولید اثر داشت. این راه‌ها اطلاعات شهرهایی را منتقل می‌کردند که در یک سیستم امپریالیستی متمرکز ادغام شده بودند. نتیجه این ساختار اقتصادی امپراتوری، استخراج مازاد تولید برای کانون امپراتوری بود (Mallowan, 1972: 8). اما همه امتیازات نصیب کانون امپراتوری نمی‌شد، بلکه ادغام اقتصادهای محلی در اقتصاد امپراتوری، فرصت‌های جدیدی را برای توسعه تجارت با نواحی دور فراهم می‌کرد. تجارت بین‌منطقه‌ای پیوندهای مشترک فرهنگی بدون نیاز به اجبار کانون سیاسی را بدنبال داشت. حکومت مرکزی با احترام به اعتقادات و آیین‌های محلی در گرامیداشت اذن خدایان محلی در انتخاب شاهنشاه، شرکت در آیین‌های سستی آن‌ها، یا برگزیدن عناوین شاهان محلی در نزد مردم محلی مشروعیت بدست می‌آوردند. این شیوه مشروعیت در شهرهای ماد، بابل، مصر و یهود اعمال شد و این موضوع را نشان می‌دهد که هخامنشیان برخلاف حاکم‌های قبلی مدافع ارزش‌های سستی جامعه بودند. این ساختار سیاسی و اقتصادی که امپراتوری هخامنشی برای شهرها در نظر گرفت، باعث ثبات اداری و حفظ حاکمیت آن‌ها بر جمعیت شهرها بود (Trotter, 2001: 65).

ساختار اداری امپراتوری هخامنشی مقاصد آن‌ها را در شناسایی و بهره‌برداری از توان‌ها محیطی تبیین می‌کند. هخامنشیان با ایجاد راه‌ها شبکه برتر ارتباطی را شکل دادند و سرعت حرکت را افزایش دادند. این‌ها از مظاهر ژئواکونومی هستند (ولی‌قلی‌زاده و زکی، ۱۳۸۷: ۲۷) و امپراتوری هخامنشی به هدف ژئواکونومی یعنی استیلا به تکنولوژی و تجارت دست یافت (عزتی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۰: ۱۱۲). در این میان، شرایط اقتصادی شهرها نیز دگرگون شد. مصر شبکه‌های تجاری ویژه خود را در قالب مصر-فینیقیه، مصر-حبشه، مصر-یونان

شکل را داد و با اکثر شهرهای هخامنشی دادوستد می‌کرد، این شبکه های تجاری مصر را به ثروت بیش از پیش رساند. یونان نیز به دلیل وجود معادن طلا، یکی از مراکز مهم ساخت و صادرات کالاهای شان‌زا در امپراتوری هخامنشی بود (Salles, 1991: 211). از مهم‌ترین علل گسترش تجارت در امپراتوری هخامنشی اتصال دریای مدیترانه با دریای سرخ بود که باعث توسعه تجارت بین مصر، عربستان، فینیقیه با بنادر خلیج فارس و دریای عمان شد (زرین‌کوب و خزائی، ۱۳۹۷: ۱۰۱) و امنیت تجارت بین راه‌ها تأمین گردید. بنابراین داریوش اول سکه‌ای به نام دریک با ارزش بین‌المللی ضرب کرد، که در همه شهرها اعتبار داشت و شهرها مجاز بودند که فقط سکه نقره ضرب کنند (شرقی، ۱۳۸۶: ۳۳). امپراتوری هخامنشی برخلاف امپراتوری‌های قبل به سهولت به مواد خام ارزان با میزان قابل توجه و نیروی کار برای کشاورزی و تجارت دست یافت (Dandamayev, 2005: 269). در هزاره اول پ.م اقتصاد سلطنتی گسترده پدیده نوظهوری بود و در این اقتصاد خبری از رکود اقتصادی نبود. در همین نظام اقتصادی کشاورزی، صنعت و تجارت در سرتاسر امپراتوری برپا بود (Boucharlat, 2001: 269). ایران در امپراتوری هخامنشی، نقش هارتلند را داشت و تصمیمات سیاسی و اقتصادی آن، بر نواحی دیگر اثر می‌گذاشت و آن‌ها را شکل می‌داد و بدین ترتیب همه مازاد محصولات با کمترین هزینه به این جغرافیا و کانون سیاسی امپراتوری سرازیر می‌شد؛ چراکه ایران سرزمینی مرکزی بین حوزه‌های اقتصادی پویای آن دوره، آب‌های آزاد جنوب و گستره جغرافیای آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه و حتی اروپای شرقی بود (ولی‌قلی‌زاده و زکی، ۱۳۸۷: ۲۸).



نمایه ۲: ویژگی‌های سیاست‌های ژئوآکونومی در دوره داریوش اول (منبع: نگارندگان)

در دوره هخامنشی با اتخاذ سیاست‌های ژئوآکونومیک مدبرانه، سطح زندگی اجتماعی و اقتصادی شهرها ارتقاء یافت. رفاه و بهزیستی مردم یکی از مهمترین اهداف ژئوآکونومیک هخامنشی بود و بدین منظور یکی از مهمترین وظایف نظام اداری هخامنشی تأسیس طرح‌های بسیار مهم زراعت در مناطق فتح شده و نواحی بایر بود (Dandamayev, 2005: 278). در کتیبه‌های هخامنشی اصطلاح «همه خوشبختی برای انسان»،

معادل حضور آب، گیاهان و حیوانات در فضای جغرافیایی بود که پروردگار آن‌ها را آفریده و مصرف آن‌ها همراه با احساس لذت و شادی بود و باعث حفظ جوانی، قدرت و سلامتی جسمانی و جاودانگی می‌شد. پردیس‌های هخامنشی به عنوان یک الگوی کوچک اقتصادی به شمار می‌رفت و هخامنشیان در صدد بودند همه قلمرو را به مانند پردیس کنند. در این پردیس‌ها همه عناصر برای خوشبختی انسان حضور دارند. فتوحات امپریالیستی هخامنشیان گسترش صلح، راستی و بهزیستی برای همه انسان‌ها به ارمغان می‌آورد و بهره‌برداری همه انسان‌ها از آن‌ها، امپراتوری را به مانند پردیس و بهشت می‌کرد (Lincoln.2012:18-19). از طرف دیگر کشاورزی پایین‌ترین سطح اقتصاد بود که با توسعه آن و ایجاد مازاد محصول، امکان تحقق سطوح دیگر اقتصاد مانند تجارت فراهم می‌گردید.

۴. نتیجه‌گیری

دو عامل اساسی، اقوام پارس را مجبور کرد تا از حوزه جغرافیایی خود خارج شوند، یکی ارتباط با تمدن‌های پیشرفته عیلام نو و آشور نو و دیگری پی بردن به اینکه به چه میزان نسبت به این تمدن‌ها از نظر شهرنشینی، تکنولوژی، استخراج و استفاده از منابع طبیعی و تجارت عقب‌مانده هستند. به این ترتیب -کورش بزرگ- نابغه نظامی از شرایط سیاسی زمان خود بهره برد و برای پیشرفت قوم پارس و دستیابی به قدرت سیاسی در منطقه به تصرف نواحی مختلف پرداخت. کورش بزرگ طی لشکرکشی و امور نظامی به مسائل راهبردی و اقتصادی مناطق مختلف نیز توجه کرد و به تصرف مناطقی پرداخت که از دو ارزش ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک برخوردار بودند. این مناطق اصولاً شهرهای آباد، پیشرفته و پرجمعیت با ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قوام‌یافته، مناطق پُرآب و حاصل‌خیز و دارای منابع معدنی و بنادر و مناطق واقع که در مسیر آبهای آزاد را دربرمی‌گرفت. کورش بزرگ برای اجرای سیاست سلطه‌طلبانه خود بر مناطق مختلف به اعتقادات و سنت آن‌ها احترام نهاد، به این ترتیب ساختارهای اقتصادی-سیاسی شهرها را حفظ کرد و امکان بهره‌برداری از منابع انرژی و اقتصادی مناطق را با سهل‌ترین روش فراهم کرد. کورش بزرگ با واگذاری عمده امور اداری به مردم محلی از هزینه سپاهی‌گری، کاست و با دسترسی به دریاها و آزاد و اقتصادهای پویای آن دوره، بزرگ‌ترین امپراتوری جهان را تأسیس کرد. بنابراین سیاست کورش در برخوردار با مناطق دارای ارزش ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، زمینه‌ساز سلطه بر منابع انرژی شد.

از زمان داریوش اول فلات ایران هارتلند امپراتوری بود و با تصمیمات سیاسی و اقتصادی، بر شهرها اثر گذاشت و با ادغام آن‌ها در ساختار امپراتوری به آن‌ها شکل داد. کانون سیاسی امپراتوری با اتحاد سرزمین‌ها و ارتباط دادن آن‌ها توسط شبکه راه‌ها و نظام اداری به هدف ژئواکونومیک خود، که توسعه تجارت بود، دست یافت. ارتباط تجاری در قلمرو گسترده پدیده نوظهوری محسوب می‌شد که خود حاصل، سازوکارهایی بود که در این امپراتوری اعمال گردید و مهم‌ترین آن شبکه راه‌های خشکی و دریایی بود. هخامنشیان برای اولین بار، با شبکه راه‌ها، زمان را مدیریت کردند و با مدیریت زمان، تولید را افزایش دادند. با بهبود شرایط تجارت از طریق تأمین امنیت راه‌ها، مازاد درآمد شهرها با سرعت بیشتری به مرکز سیاسی امپراتوری منتقل گردید. هخامنشیان با توجه بسیار به آب و سازمان‌دهی آن و توسعه کشاورزی در صدد بودند سطح بهزیستی مردم و دسترسی به مواد اولیه را ارتقا بخشند و امپراتوری خویش را بسان پردیسی شاهی غرق در نعمت و رفاه سازند.

کتاب‌نامه

- احتشام، مرتضی، (۱۳۵۵)، *ایران در زمان هخامنشیان*، تهران: کتاب‌های جیبی.
- بروسیوس، ماریا، (۱۳۹۹)، *زنان هخامنشیان*، ترجمه‌هایده مشایخ، تهران: هرمس.
- بریان، پی‌یر، (۱۳۸۱)، *تاریخ امپراتوری هخامنشیان*، ج ۱، ترجمه مهدی سمسار، تهران: زریاب.
- بیوار، ا. اچ. (۱۳۹۰). *سکه‌های هخامنشی*، اوزان و مقیاس‌ها. تاریخ ایران کمبریج جلد دوم: دوره‌های ماد و هخامنشی. تهران: مهتاب. صص ۷۲۷-۷۶۱.
- توقیر، احمد (۱۳۹۵)، «تأثیر فرهنگی هخامنشیان بر پاکستان باستان». ترجمه کامیار عبدی. *باستان‌پژوهی*. دوره جدید. س ۹، ش ۱۹، صص ۱۷-۲۲.
- جوادی، غلامرضا. (۱۳۸۰)، *مدیریت در ایران باستان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خادمی، لعیا؛ میرزا محمد حسنی، (۱۳۹۵)، «فعالیت‌های اقتصادی زنان در ایران در ایران عصر هخامنشی»، *مجله تاریخ‌نگار*، ش ۱۰، صص ۱۷-۲۱.
- خسروی، زینب، (۱۳۹۳)، *اندیشه سیاسی در دوران تاریخی ایران به استناد داده‌های باستانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی، استاد راهنما کریم حاجی‌زاده. دانشگاه محقق اردبیلی: اردبیل.
- داندامایف، محمد، (۱۳۵۸)، *تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان*، ترجمه میرکمال نبی‌پور، تهران: گستره.

بررسی وضعیت ژئواکونومی امپراتوری هخامنشی (زینب خسروی و دیگران) ۱۳۵

- داندامایف، محمد، (۱۳۸۱)، *تاریخ سیاسی هخامنشی*، ترجمه خشایار بهاری. تهران: کارنگ.
- دوما، موریس و دیگران، (۱۳۷۸). *تاریخ صنعت و اختراع*. ترجمه عبدالله ارگانی. تهران: امیرکبیر.
- ریاحی دهنوی بتول (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر اهداف نظامی کوروش و نگهداری مرزهای امپراتوری اش در آسیا». *مجله مطالعات ایرانی*. س ۸، ش ۱۶، ۱۵۱-۱۶۸.
- زرین کوب، روزبه و خزائی، سهم‌الدین (۱۳۹۲)، *داریوش، حفر آبراهه سوئز، و نقش آن در توسعه روابط تجاری در دوره هخامنشی*. پژوهش‌های علوم تاریخی. دوره ۵، شماره ۱، ۹۷-۱۱۶.
- سانسیسی وردنبورخ، هلن و آملی کورت، (۱۳۸۸) *تاریخ هخامنشی (جلد ششم) آسیای صغیر و مصر فرهنگهای کهن در یک پادشاهی نوین*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. چ ۱، تهران: توس.
- شرقی، علی، (۱۳۸۶). «مروری بر تاریخ بانکداری جهان و سهم ایرانیان در پیدایش آن»، *بانک و اقتصاد*، ش ۹۰. صص ۳۴-۳۱.
- عاشوری‌نژاد، عباس و مهدی بارده، (۱۳۹۱). «بررسی علل و زمان احداث، نامگذاری، معماری و متراکم شدن بنای تاریخی گور دختر». *پژوهشنامه تاریخ*. ش ۲۸، صص ۱۶۶-۱۲۹.
- عالی، ابوالفضل و سهند سعیدی، (۱۳۹۴)، «بافندگی در ایران باستان؛ نگاهی به بافته‌های به دست آمده از معدن چهرآباد، زنجان». *باستان‌پژوهی*. س ۹، ش ۱۷، صص ۹۹-۱۰۱.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۹۱). «عناصر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی محلی در توسعه روابط دوجانبه ایران و افغانستان». *فصلنامه ژئوپلیتیک*. س ۸، ش ۳، صص ۲۵۱-۱۸۲.
- عبداللهی، علیرضا، (۱۳۹۱)، «تجارت دریایی خلیج فارس از هخامنشیان تا اشکانیان». *پژوهش در تاریخ*. س ۳، شماره ۸، صص ۱۴۱-۱۱۳.
- عزتی، عزت‌الله و کیومرث یزدان پناه (۱۳۸۰)، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*. تهران: سمت.
- علایی مقدم، جواد، سید رسول موسوی حاجی، رضا مهرآفرین. (۱۳۹۵). «در جستجوی اورگت‌ها (نگرشی بر هویت واقعی استقرارهای هخامنشی کشف شده در سیستان)». *مطالعات باستان‌شناسی*. دوره ۸، ش ۱، صص ۱۱۳-۱۳۲.
- غریبی، عین‌الله، فرشید جعفری و علی لجم اورک مردای، (۱۳۹۲). «سهم بندر تائوکه در مناسبات تجاری خلیج فارس در عصر هخامنشی». *پژوهش در تاریخ*. ش ۱۱، ۲۷-۱۷.
- کاپتین، دینز، (۱۳۹۲)، «مهرهای داسکلیون: تصاویر مهری غرب شاهنشاهی هخامنشی». *تاریخ هخامنشی*. ج ۱۲. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: توس.
- کاران، حسن، یدالله کریمی پور، (۱۳۸۰). «مقدمه‌ای بر نظام حکومتی و تقسیمات کشوری در ایران باستان». *تحقیقات جغرافیا*. ش ۶۳-۶۴. صص ۱۷۴-۱۶۶.
- کاویانی، پویا و ماریا داغمه چی، (۱۳۹۳). «تحولات تاریخی و جایگاه استراتژیکی، نظامی و اقتصادی هیرکانیا در عصر هخامنشی». *فصلنامه علمی و پژوهشی «تاریخ اسلام و ایران»*، س ۲۳، ش ۲۴، صص ۱۶۷-۱۹۲.

- کورت، آملی، (۱۳۸۳)، *هخامنشیان*، تهران: ققنوس.
- کوک، جان مانوئل. (۱۳۸۶). شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- گزنفون، (۱۳۹۷). *کوروش نامه*. ترجمه رضا مشایخی. تهران: علمی فرهنگی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۵)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی.
- ماله، آلبر. ۱۳۸۴. *تاریخ ملل شرق و یونان*. ترجمه عبدالحسین هژیر. ج ۱، چ ۲، تهران: سمیرا.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۸)، *تاریخ و تمدن بین‌النهرین جلد اول: تاریخ سیاسی*، ویراسته شهناز سلطان‌زاده، هایده عبدالحسین‌زاده، چ ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محموآبادی، سیداصغر (۱۳۷۴)، «کوروش و مرزهای دفاع استراتژیک». *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۷، صص ۱۵۸-۱۳۹.
- مختاری هشی، حسین، (۱۳۹۷)، «تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، س ۱۴، ش ۵۰، صص ۸۲-۵۶.
- مسرور، محمد، محمد خانی، (۱۳۹۷)، «بازآرایی ژئوپلیتیکی در دریای جنوبی چین». *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، س ۱۴، ش ۵۰، صص ۱۶۸-۱۹۶.
- معینی‌سام، بهزاد (۱۳۸۸)، «بررسی واژه دهیو». *جستارهای ادبی*. س ۴۲، ش ۱۶۴، صص ۲۳۷-۲۵۰.
- مهرابی، طهمورث، شهرام جلیلیان، (۱۳۹۴). «کاپادوکیه نگهدارندهی فرهنگ و سنت هخامنشیان در آسیای کوچک». *مطالعات تاریخ فرهنگی*، س ۷، ش ۲۶، صص ۱۳۳-۱.
- ولایتی، رحیم. (۱۳۸۸). «چگونگی ساخت کانال سوئز توسط داریوش و بررسی تأثیر سیاسی - اقتصادی آن در دوره هخامنشیان». *مطالعات باستان‌شناسی*، س ۱، ش ۲، صص ۱۷۷-۲۰۱.
- ولی قلی‌زاده، علی و یاشار ذکی، (۱۳۸۷). «بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، س ۴، ش ۳، صص ۵۶-۲۱.
- ویتفولگ، کارل آگوست، (۱۳۹۱)، *استبداد شرقی: بررسی تطبیقی قدرت تام*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- ویسی، هادی، (۱۳۹۶)، «بررسی رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی پاکستان و ایران در اجاد کریدور شمالی جنوبی اوراسیا: مزیت‌ها و تهدیدها». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، س ۱۳، ش ۱، صص ۱۲۴-۱۰۱.
- هژیری نوبری، علیرضا، مهسا ویسی و حمید خطیب شهیدی، (۱۳۹۰)، «بررسی باستان‌شناختی ارتباطات سیاسی و فرهنگی ایران و آسیای صغیر در دوران هخامنشی». *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، س ۷، ش ۲۳، صص ۲۰۳-۲۲۹.
- هیئتس، والتر. (۱۳۸۶)، *داریوش و ایرانیان*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: نشر ماهی.
- یوسف‌نژاد، سودابه. (۱۳۹۴). *شناسایی ساختار و فرآیندهای فرسایش ملات قیر به کاررفته در آجرهای یادمان هخامنشی تل آجری در پارسه*. پژوهش باستان‌سنجی. دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۹-۴۹.

- Aminzadeh, B., Samani, F., & Bahrami, B. (2006). A Non-destructive Excavation in Parse-Pasargad Archaeological Region.
- Boucharlat, R. (1990). "Suse et la Susiane à l'époque achéménide." *Données archéologiques. Achaemenid History*, 4, 149-75.
- Boucharlat, R. (2001). "Achaemenid Imperial Policies and Provincial Governments, IA, 34, (1999), pp. 269-282." *Abstracta Iranica. Revue bibliographique pour le domaine iranologique*, (Volume 22).
- Brosius, M. (2010). "Pax Persica and the peoples of the Black Sea region: extent and limits of Achaemenid imperial ideology." *Achaemenid Impacts in the Black Sea: Communication of Powers*, 29-40.
- Brown, S. C. (1990). "Media in the Achaemenid Period: the Late Iron Age in Central West Iran." In *Achaemenid History Workshop IV: Centre and Periphery: Proceedings of the Groningen 1986 Achaemenid History Workshop* (pp. 63-76).
- Chattopadhyaya, S. (1974). *The Achaemenids and India*. New Delhi: Munshiram Manoharlal Publishers. 93-110.
- Colburn, H. P. (2013). Connectivity and communication in the Achaemenid Empire. *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 56(1), 29-52.
- Dandamayev, M. A. & Lukonin, V. G. (1989), *The Culture and Social Institutions of Ancient Iran*, Cambridge University Press.
- Dandamayev, M. A. (1992). *Iranians in Achaemenid Babylonia*, Mazda publisher in association with Bibliotheca Persica Costa Mesa, California and New York.
- Dandamayev, M. A. (2005). "Achaemenid Imperial Policies and Provincial Governments." *Iranica antiqua*, 34(1), 269-282.
- Dani, A. H., Staff, U. N. E. S. C. O., Asimov, M. S., Litvinsky, B. A., Samghabadi, R. S., & Bosworth, C. E. (1994). *History of Civilizations of Central Asia: The Development of Sedentary and Nomadic Civilizations, 700 BC to A (Vol. 2)*. Unesco.
- Daryee, T (2003), "the Persian Gulf in trade in late antiquity." *Journal of world. bigchalk.com*.
- Frank, A. G., 1993, "Bronze Age World System Cycles." *Current Anthropology* 34:383-429
- Gergova, D. (2010). "Orphic Thrace and Achaemenid Persia." *Achaemenid Impact in the Black Sea: Communication of Powers*, 11, 67.
- Graf, David F, (1994), "The Persian Royal Road System", in: H. Sancisi-Weerdenburg, A. Kuhrt & M.C. Root (eds.), *Achaemenid History VIII: Continuity and Change*, Nederland Instituut voor het Nabije Oosten, Leiden, pp. 167-189.
- Graf—Miami, D. F. (1990). "Arabia during Achaemenid times." In *Centre and periphery: proceedings of the Groningen 1986 Achaemenid History Workshop (Vol. 4, p. 131)*. Eisenbraun. ۱۳۱-۱۴۸.
- Herodotus, (1957), *The Persian Wars*, translated by A. D. Godley, The Loeb Classical Library, Cambridge (Mass.) & London.
- Hogemann, P (1992), *Das alte Vorderasien und die Achameniden, Ein Beitrag zur Herodot-Analyse. Beihefte Zum Tubinger Atlas des Vorderen Orients, Reihe (Geisteswissenschaften) Nr. 98*. Wiesbaden.

- Holtz, S. E. (2010). 'Judges of the King' in Achaemenid Mesopotamia." *The World of Achaemenid Persia: History, Art and Society in Iran and the Ancient Near East*, London and New York, 481-489.
- Jursa, Michael. (2011). "Taxation and Service Obligations in Babylonia from Nebuchadnezzar to Darius and the Evidence for Darius' Tax Reform." *Herodot und das Persische Weltreich/ Herodot and Persian Empire*, Edited by Robert Rollinger, Brigitte Truschneegg and Reinhold Biczler, Weisbaden, 430-448.
- Kleber, K. (2015). *Taxation in the Achaemenid Empire*.
- Kuhrt, A (2007). *Persian Empire. Volume I*. Taylor & Francis Routledge.
- Kuhrt, A. (1990). "Achaemenid Babylonia: sources and problems." *Achaemenid History*, 4, 177-94.
- Licheli, V. (2007). "Oriental Innovations in Samtskhe (Southern Georgia) in the 1st Millenium BC." In *Achaemenid Culture and Local traditions in Anatolia, Southern Caucasus and Iran* (pp. 55-66). Brill.
- Lincoln, B. (2012). *Happiness for Mankind: Achaemenian Religion and the Imperial Project*. Peeters.
- Llewellyn-Jones, L. (2013). *King and court in ancient Persia 559 to 331 BCE*. Edinburgh University Press.
- MacGinnis, J. (2010). "The Role of Babylonian Temples in Contributing to the Army in the Early Achaemenid Empire." *The World of Achaemenid Persia*, Londres, IB Tauris, 495-502.
- Mallowan, M. (1972). "The Great Cyrus (558-529 BC)." *Iran*, 10(1), 1-17.
- Moosavi, J.S.S., & Kasrai, M. S. (2011). *Geopolitical Elements of Political Legitimacy in the Bisitun*.
- Nieling, J. (2010). "Persian Imperial Policy behind the Rise and Fall of the Cimmerian Bosphorus in the last Quarter of the Sixth to the Beginning of the Fifth Century BC. Achaemenid Impact in the Black Sea." *Communication of Power. BSS*, 11, 123-136.
- Potts, D. T. (2010). "Achaemenid Interests in the Persian Gulf. J. Curtis, St. John Simpson (eds)." *The World of Achaemenid Persia*, London-New York, 523-534.
- Razmjou, S. (2010). "Persepolis: A reinterpretation of palaces and their function." *The World of Achaemenid Persia*. London, 231-45.
- Rehm, E. (2010). "The Impact of the Achaemenids on Thrace: a historical review. J. Nieling & E. Rehm, *Achaemenid Impact in the Black Sea*." *Communication of Power*, Aarhus, Lancaster, 137-160.
- Salles, J. F. (1990). "Les Achéménides dans le Golfe arabo-persique." *Achaemenid History*, 4, 111-130.
- Salles, J. F. (1991). *Du blé, de l'huile et du vin... notes sur les échanges commerciaux en Méditerranée orientale vers la milieu du 1er millénaire av. JC* *AchHist* VI, 207-36.
- Sancisi-Weerdenburg, H. (1990). "The quest for an elusive empire." *Achaemenid History*, 4, 263-74.

- Silverman, J. M. (2011). "Iranian-Judaean Interaction in the Achaemenid Period." *Text, Theology, and Trowel: New Investigations in the Biblical World*, 133-168.
- Stern, E. (1986). "New Evidence on the Administrative Division of Palestine in the Persian Period." *Achaemenid History IV: Centre and Periphery*, 221-226.
- Stolper, M. W. (1988). "The Kasr Archive." *American journal of archaeology*, 92 (4),587-588.
- Tite, M.S., A.J. Shortland, M. Jung & A. Hauptman (2004) "Glazed Bricks in the Achaemenid Period", (in German and English), *Persien Antike Pracht*, eds. T. Stoellner, R. Slotta and R. Vatandoust, Deutsches Bergbau-Museum, Bochum, Germany: 382-393.
- Trotter, J. M. (2001). *Reading Hosea in Achaemenid Yehud* (Vol. 328). A&C Black.
- Tuplin, c. t. (1981), *Xenophon and The Garison of the Achaemenid empier*. *Ami*20.
- Tuplin, C. (2010). "Revisiting Dareios' Scythian Expedition. Achaemenid Impact in the Black Sea." *Communication of Powers (= Black Sea Studies 11)*, Aarhus, 218-312.
- Vickers—Oxford, M. (1990). "Interactions between Greeks and Persians." In *Centre and periphery: proceedings of the Groningen 1986 Achaemenid History Workshop* (Vol. 4, p. 253). Eisenbrauns. 253-262.
- Waezeggars, C. (2015). "Babylonian Kingship in the Persian Period: Performance and Reception." *Exile and Return: The Babylonian Context*, 181-222.
- Wenke, R.J (1976), "Imperial Investments and Agricultural Developments in Parthian and Sasanian Khuzestan: 150 B.C. to A.D. 640'." *Mesopotamia*, 10-11, 31-121.